

عنوان مقاله:

بلاغت روایی ژرار ژنت و کارکرد روایت در رمان های زویا پیرزاد

محل انتشار:

فصلنامه مطالعات زبان فارسی (شفای دل سابق)، دوره 5، شماره 12 (سال: 1401)

تعداد صفحات اصل مقاله: 19

نویسندگان:

ماندانا یاسمی - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

آذر دانشگر - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران (نویسنده مسئول).

خلاصه مقاله:

نظریه بلاغت روایی، از آراء مهم ژرار ژنت، روایت شناس مطرح فرانسوی است. این اصل، می تواند به خوبی در شناخت نقاط ضعف و قوت یک داستان به ما کمک کند. منظور از بلاغت روایی در اندیشه ژنت، آنچه از بلاغت به طور معهود می شناسیم نیست؛ بلکه ژنت معتقد است که اگر شیوه روایت یک داستان، به گونه ای باشد که تمهیدات موجود در آن، همگی در نهایت انسجام باشند و به پیشبرد پی رنگ داستان به طور مناسب کمک کنند، با روایت بلاغی مواجه هستیم. البته ژنت، مصادیقی نیز برای این نوع روایت ذکر کرده است، مصادیقی مانند تداعی غیرمنتظره، دراماتیزه کردن لحن و پی رنگ ضمنی که همگی در کنار سایر مصادیقی که پیش از ژنت هم مطرح شده مانند زمان و شخصیت پردازی، باعث ایجاد ساختار یک داستان می شوند. در این مقاله بنا بر این نظریه، به بررسی آثار مطرح زویا پیرزاد، نویسنده برجسته معاصر پرداخته می شود. روش تحقیق از نوع تحلیلی-تطبیقی است. از اهم یافته های این مقاله این است که پیرزاد با به کار بستن تمهیداتی مانند پی رنگ ضمنی و ایجاد لحن نمایشی، موفق شده عنصر تعلیق و اشتیاق به تداوم خواندن را در خواننده به بهترین شکل ایجاد کند.

کلمات کلیدی:

روایت، داستان، ژرار ژنت، بلاغت روایی، زویا پیرزاد

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1676817>

